

Internal Features of 50 Persian Idiomatic Expressions: A Case Study on Female Students of Roshangar High School in Tehran

Vol. 12, No. 1, Tome 61
pp. 219-247
April & May 2021

Homeira Niavarani¹, Gholamhossein Karimi Doostan^{2*}, Belghis Rovshan³, & Zahra Abolhasani Chimeh⁴

Abstract

One of the major issues that can be raised in the processing, understanding, producing, applying and training the idiomatic expressions is to describe the internal features and determine the relationship and correlation between these features in idiomatic expressions. The present study is aimed to investigate the characteristics of the internal features of 50 Persian idiomatic expressions and describes them and determines the correlation between them. The intuition of the speakers on variables of familiarity, ambiguity, semantic transparency, figurativeness, arousal, concreteness, emotional valence, and confidence of each phrase was evaluated. Their descriptions were also assessed for the figurative meaning of each phrase. The results showed that the studied Persian idiomatic expressions have the characteristics mentioned and can be categorized using a continuum whose pole is one of the internal features of the idiomatic expressions and the other is opposite of the same internal feature. Furthermore, descriptive statistics showed that the expressions of the Persian language are assessed more as ambiguous, arousal, transparent, figurative, and concrete with negative emotional valence. Moreover, the results showed that there is a negative correlation between the familiarity and semantic transparency. There is a positive correlation between meaningfulness and semantic transparency. There is also a negative correlation between knowledge with semantic transparency and confidence..

Keywords: idiomatic expressions, internal features, Persian language

1. PhD Candidate in General Linguistics, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
2. Corresponding author; Professor, Department of Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran; Email: gh5karimi@ut.ac.ir
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0003-0016-9917>
3. Professor, Department of Linguistics, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran.
4. Associate Professor, Department of Linguistics, Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (SAMT), Tehran, Iran.

Received: 22 October 2018
Received in revised form: 14 February 2019
Accepted: 4 March 2019

One of the most important issues in the processing, perception, production, use, and teaching of idiomatic expressions is describing their internal features and determining the correlation between these features. The present study aimed at describing the following internal features of Persian idiomatic expressions: familiarity, knowledge, ambiguity, semantic transparency, figurativeness, emotional arousal, concreteness, emotional valence, and confidence. Furthermore, an attempt was made to investigate the correlation between these features and answer the following questions: A) Which of these features can be found in Persian idiomatic expressions? B) What is the relationship between the internal features of Persian idiomatic expressions? C) How Persian idiomatic expressions can be categorized based on these internal features? It is hypothesized that idiomatic expressions possess various and diverse internal features and both a negative and a positive correlation can be found between some of them. Furthermore, these idiomatic expressions can be categorized on a continuum with one of the internal features at one end and the opposite feature at the other end. To achieve the aims of the present research, at first, based on the intuitive and encyclopedic knowledge of the researchers, 50 Persian idiomatic expressions were chosen from “Dictionary of Metonymy” by “Mansour Servat (1379)” and “Sokhan's dictionary of metonymy” by “Hassan Anvari (1390). The intuitive knowledge of Persian native speakers for each idiomatic expression was evaluated in terms of familiarity, knowledge, ambiguity, semantic transparency, figurativeness, emotional arousal, concreteness, emotional valence, and confidence. Hence, for the experimental phase of the study, 270 high-school female students were selected using random sampling. Questionnaires were administered to collect the data of the study and for each variable, a questionnaire was developed. The questionnaires were filled in without the researcher’s intervention. Descriptive and inferential statistics were performed using SPSS. The importance of this research lies in filling the gap in the field of the internal features of Persian idiomatic expressions and determining their correlation. The results of the study revealed that Persian idiomatic expressions have these internal features and they can be

categorized based on these features on a continuum with one feature at one end and the opposite feature at the other end. Furthermore, descriptive statistics revealed that the idiomatic expressions investigated in this study were more ambiguous, emotionally arousing, figurative, concrete and emotionally negative. Furthermore, a negative correlation was identified between the internal features of familiarity and semantic transparency. However, a positive correlation was observed between concreteness and semantic transparency. Finally, a negative correlation was observed among knowledge, semantic transparency, and confidence.

[DOI: 10.29252/LRR.12.1.7]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1400.12.1.2.8]

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-07-18]



دوماهنامه علمی - پژوهشی

۱۲، ش ۱ (پیاپی ۶۱) فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۰، صص ۲۴۷-۲۱۹

ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای ۵۰ عبارت اصطلاحی زبان فارسی: مطالعه موردی بر روی دختران دبیرستان روشنگر تهران

حمیرا نیاورانی^۱، غلامحسین کریمی دوستان^{۲*}، بلقیس روشن^۳، زهرا ابوالحسنی چیمه^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲. استاد گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استاد گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

۴. دانشیار گروه زبان‌شناسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۳

دریافت: ۹۷/۰۷/۳۰

چکیده

یکی از عمده‌ترین موضوعاتی که در امر پردازش، درک، تولید، به‌کارگیری و آموزش عبارت‌های اصطلاحی امکان طرح می‌یابد، توصیف ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای و تعیین رابطه و همبستگی بین این ویژگی‌ها در عبارت‌های اصطلاحی است. پژوهش حاضر به بررسی ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای ۵۰ عبارت اصطلاحی زبان فارسی و توصیف آن‌ها و تعیین همبستگی بین آن‌ها پرداخته است. شم زبانی گویشوران برای هر عبارت اصطلاحی از نظر متغیرهای آشنایی، مبهم بودن، شفافیت معنایی، مجازی بودن، انگیزتگی، ملموس‌بودگی، بار عاطفی و اعتماد داشتن مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین توصیف‌های آن‌ها از معنی مجازی هر عبارت ارزیابی شد. نتایج نشان داد که عبارت‌های اصطلاحی مورد مطالعه دارای ویژگی‌های ذکرشده هستند و می‌توان آن‌ها را با استفاده از پیوستاری که یک قطب آن یکی از ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای عبارت‌های اصطلاحی و قطب دیگر تقابل همان ویژگی است، طبقه‌بندی کرد. همچنین، آمار توصیفی نشان داد که عبارت‌های اصطلاحی مورد مطالعه، بیشتر مبهم، انگیزخته، شفاف، مجازی و ملموس با بار عاطفی منفی ارزیابی شده‌اند. به‌علاوه، نتایج نشان داد که بین آشنایی و شفافیت معنایی همبستگی منفی وجود دارد. بین متغیر ملموس‌بودگی و شفافیت معنایی همبستگی مثبت دیده می‌شود. همچنین، بین دانش با شفافیت معنایی و اعتماد داشتن همبستگی منفی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: عبارت‌های اصطلاحی، ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای، زبان فارسی.

E-mail: gh5karimi@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

بررسی دقیق و یک به یک انواع عبارتهای مجازی از ضرورت‌های حوزه‌ی زبان‌شناسی است تا بر این اساس بتوان کارکرد آن‌ها را در انتقال معنی بیش از پیش مورد توجه قرار داد. از صور مجازی عبارتهایی (مانند تخم لق شکستن) را می‌توان نام برد که در اغلب آن‌ها به سبب معنای مجازی، مفهومشان را نمی‌توان از هم‌نشینی و معنای لفظی واژه‌های تشکیل‌دهنده‌شان استنتاج کرد. این دسته از عبارتهای مجازی را می‌توان با برچسب «عبارتهای اصطلاحی»^۱ معرفی کرد، که به خصوص در زبان گفتاری بسیار رایج هستند. عبارتهای اصطلاحی مقولات همگن و یکپارچه‌ای نیستند. دارای ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای و هنجارهای توصیفی متنوعی هستند که هر یک از این ویژگی‌ها و رابطه‌ی بین آن‌ها را باید در مسیر پردازش بررسی کرد (Citron et al., 2016, p.104). مهم‌ترین این متغیرها عبارت‌اند از: آشنایی^۲، دانش^۳، مبهم بودن^۴، شفافیت معنایی^۵، مجازی بودن^۶، انگیزتگی^۷، ملموس‌بودگی^۸، بار عاطفی^۹، طول اصطلاح^{۱۰} و اعتماد داشتن^{۱۱}، تعیین هنجارها و ویژگی‌های عبارتهای مجازی از لحاظ روش‌شناسی و نظری مهم است. برای مثال اگر بخواهیم تأثیر آشنایی بر سرعت خواندن را بسنجیم، باید مجموعه‌ای از عبارتهای اصطلاحی که این ویژگی را دارند، در دسترس باشد. همچنین، داشتن مجموعه‌ای از ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای عبارتهای مجازی، پژوهش درباره‌ی رابطه و همبستگی آن‌ها را محقق می‌کند (Bonin et al., 2017, p.1059) و به درک و تشخیص چگونگی تولید و فرایند پردازش این عبارتها کمک می‌کند. ضرورت این پژوهش به این دلیل است که تاکنون تحقیقی با در نظر گرفتن همه‌ی متغیرهای ذکر شده بر روی عبارتهای اصطلاحی زبان فارسی صورت نگرفته است. برای پر کردن این خلأ، پژوهش حاضر با هدف ارائه‌ی توصیفی از ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای عبارتهای اصطلاحی زبان فارسی و کشف رابطه و میزان همبستگی بین این ویژگی‌ها در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: الف) عبارتهای اصطلاحی زبان فارسی دارای کدام ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای هستند؟ ب) چه رابطه‌ای بین ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای عبارتهای اصطلاحی زبان فارسی (شامل آشنایی، دانش، مبهم بودن، شفافیت معنایی، مجازی بودن، انگیزتگی، ملموس‌بودگی، بار عاطفی و اعتماد داشتن) وجود دارد؟ ج) چگونه می‌توان عبارتهای اصطلاحی زبان فارسی را بر اساس هر یک از ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای طبقه‌بندی

کرد؟

فرض ما بر این است که عبارات اصطلاحی مورد مطالعه دارای ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای متنوعی هستند و بین برخی از این ویژگی‌ها هم‌بستگی مثبت و بین برخی دیگر هم‌بستگی منفی وجود دارد. همچنین، این عبارات را می‌توان با استفاده از یک پیوستار که یک قطب آن یکی از ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای و قطب دیگر تقابل همان ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای است، طبقه‌بندی کرد. روش این پژوهش از لحاظ معرفی عبارات اصطلاحی زبان فارسی و ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای آن‌ها توصیفی - تحلیلی است. علاوه بر این برای اندازه‌گیری ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای عبارات اصطلاحی از روش میدانی استفاده شده است.

۲. پیشینه تحقیق

در این قسمت به بررسی و مرور مهم‌ترین آثاری می‌پردازیم که اصطلاحات و عبارات مجازی را مورد کنکاش قرار داده‌اند. طبیب‌زاده (۱۳۷۳)، به طبقه‌بندی و ضبط افعال اصطلاحی پرداخته است. فعل‌ها را به سه دسته افعال ساده، پیشوندی و گروهی تقسیم کرده است. افعال اصطلاحی را دسته‌ای از افعال گروهی می‌داند که روابط نحوی خاصی در ساخت آن‌ها برقرار است. شجری (۱۳۷۷) با بررسی زبان‌شناختی اصطلاحات در زبان فارسی ابعاد گوناگون اصطلاح بودن و ارتباط آن با نظریه نحوی را مورد پژوهش قرار داده است. نیاورانی (۱۳۸۲) در بررسی ساختار کنایه در زبان فارسی و چگونگی آموزش آن به غیرفارسی‌زبانان به این نتیجه رسیده است که اصطلاحات زبان فارسی بسامد وقوع بالایی در ایجاد ارتباط میان سخن‌گویان فارسی‌زبان دارند و می‌توان آن‌ها را بر اساس سادگی و پیچیدگی معنایی طبقه‌بندی کرد. راسخ مهند و شمس‌الدینی (۱۳۹۱) به طبقه‌بندی معنایی اصطلاحات فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی پرداخته‌اند. در این پژوهش معلوم شده است که عواملی مانند بخش‌پذیری معنایی، استعاره، مجاز و دانش متعارف در تعیین معنای اصطلاح دخیل‌اند. گندمکار (۱۳۹۱) به چگونگی درک استعاره در زبان فارسی پرداخته است. وی به این نتیجه رسیده است که درک استعاره خلاف آنچه در برخی رویکردهای امروزی مطرح است، به داشتن تجربه پیشین بستگی ندارد. میردهقان و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر متغیرهای بافت زبانی، آشنایی و جنسیت بر سرعت درک ضرب‌المثل پرداخته‌اند. آن‌ها دریافتند که هر یک

از این متغیرها تأثیر معناداری در درک ضرب‌المثل دارد. عرفانیان قونسولی و همکاران (۱۳۹۳)، به بررسی اهداف استفاده از نمونه‌های تمثیلی با رویکرد زبان‌شناسی شناختی پرداخته‌اند. آن‌ها تمثیل‌ها را به کنایه، استعاره، عبارت اصطلاحی، درخواست غیرمستقیم، اغراق، کتمان حقیقت، پرسش تصنعی و تشبیه دسته‌بندی کرده و با بررسی جواب‌های پاسخ‌دهندگان به این اهداف رسیده‌اند: نشان دادن احساسات خوب، ناراحت نشدن طرف مقابل و احترام به او، مؤدب بودن، نشان دادن سطح شعور، خراب نکردن وجهه خود، تأثیرگذار بودن، مطابق عرف صحبت کردن، شفاف‌سازی، بهتر منظور را رساندن، تأکید، شوخی کردن و نشان دادن احساسات بد. آزاد و منشی‌زاده (۱۳۹۴) به بررسی رویکردهای غالب روان‌شناختی زبان درخصوص فرایند درک اصطلاح پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ یک از رویکردهای روان‌شناختی زبان به‌تنهایی نمی‌توانند تبیینی قابل‌قبول از روند پردازش عبارت‌های اصطلاحی فارسی‌زبانان ارائه کنند. منصور (۱۳۹۴) به تجزیه و تحلیل بیش از ۲۰۰ اصطلاح می‌پردازد تا تفاوت اصطلاحات را به‌حافظ جایگزینی با عناصر دیگر محک بزند و از این طریق نشان دهد که چه عناصری از این اصطلاحات و در چه سطحی از ساختار گروه، غیرقابل جایگزین و به اصطلاح «منجمد» می‌شود. تیتون و کانین^{۱۲} (1994) به هنجارهای توصیفی ۱۷۱ عبارت‌های اصطلاحی امریکایی - انگلیسی براساس متغیرهای آشنایی، قابلیت بخش‌پذیری، قابلیت پیش‌بینی و مبهم بودن پرداخته و همبستگی بین این متغیرها را مشخص کرده‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که بین قابلیت پیش‌بینی و آشنایی همبستگی مثبت، و بین متغیرهای مبهم بودن و بخش‌ناپذیری همبستگی منفی وجود دارد. در پژوهش کیلیز و بوچر^{۱۳} (2007) نتیجه نشان داد که عبارات اصطلاحی تجزیه‌پذیر زودتر از عبارات اصطلاحی تجزیه‌ناپذیر پردازش می‌شوند. تابوسی^{۱۴} و همکاران (2008)، به تأثیر تجزیه‌پذیری معنایی در پردازش عبارات اصطلاحی پرداخته و گزارش کرده‌اند که اصطلاحات (صرف‌نظر از تجزیه‌پذیری و تغییرپذیری نحوی) خیلی سریع‌تر از همتای تحت‌اللفظی‌شان تشخیص داده می‌شوند. لین^{۱۵} و تیتون (2008) به بررسی تأثیر تجزیه‌پذیری اصطلاح در درک آن پرداخته‌اند. تابوسی و همکاران (2011) به بررسی هنجارهای توصیفی ۲۴۵ عبارت اصطلاحی ایتالیایی پرداخته‌اند. برای هر اصطلاح متغیرهای طول اصطلاح، دانش، آشنایی، زمان فراگیری، قابلیت پیش‌بینی، انعطاف‌پذیری نحوی، مبهم بودن و بخش‌پذیری را گزارش کرده و میزان همبستگی بین آن‌ها را نیز ارائه داده‌اند. آن‌ها به

این نتیجه رسیده‌اند که آشنایی به‌طور مشخص نقش قاطعی را در مطالعه عبارات اصطلاحی ایفا می‌کند. وست‌بری^{۱۶} و تیتون (2011) به تأثیر سن بر تحلیل معنی اصطلاحات مبهم و اصطلاحات تجزیه‌پذیر تمرکز کردند. بونین^{۱۷} و همکاران (2013) به بررسی هنجارهای روان‌شناختی زبان ۳۰۵ عبارت اصطلاحی فرانسوی پرداخته‌اند. آن‌ها برای هر اصطلاح متغیرهای دانش، قابلیت پیش‌بینی، مبهم‌بودن، بخش‌پذیری، بسامد ذهنی و عینی، آشنایی، زمان فراگیری و طول اصطلاح را گزارش کرده‌اند. سیترن^{۱۸} و همکاران (2016) مطالعه‌ای درباره هنجارهای روان‌شناختی زبان ۶۱۹ عبارت اصطلاحی زبان آلمانی انجام داده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که بین متغیرهای انگیزتی و مجازی بودن، انگیزتی و آشنایی، دانش و آشنایی، شفافیت معنایی و ملموس‌بودگی، آشنایی با بارعاطفی و انگیزتی همچنین شفافیت معنایی و انگیزتی همبستگی مثبت و بین متغیرهای شفافیت معنایی و مجازی بودن، ملموس‌بودگی و مجازی بودن همبستگی منفی وجود دارد. نوردمن و جامبازووا^{۱۹} (2016) در بخشی از مقاله خود به بررسی ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای آشنایی، دانش، طول اصطلاحات، مبهم بودن و بخش‌پذیری اصطلاحات بلغاری و میزان همبستگی بین آن‌ها پرداخته و دریافته‌اند که آشنایی با دانش و تجزیه‌پذیری همبستگی مثبت دارد، ولی رابطه مثبتی بین تجزیه‌پذیری و مبهم بودن پیدا نکردند. بولکز و تنر^{۲۰} (2016)، در پژوهشی ۸۷۰ اصطلاح امریکایی - انگلیسی را براساس هنجارهای توصیفی آشنایی، دانش، مبهم بودن، بخش‌پذیری و قابلیت پیش‌بینی بررسی کرده‌اند. آن‌ها میزان همبستگی بین این متغیرها را نیز گزارش کرده‌اند. این گزارش نشان می‌دهد که آشنایی و دانش همبستگی بالایی با یکدیگر دارند. همچنین، آشنایی و دانش دارای همبستگی مثبت با بخش‌پذیری و قابلیت پیش‌بینی هستند. لی^{۲۱} و همکاران (2016)، اصطلاحات چینی را با ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای دانش، آشنایی، بسامد ذهنی، زمان فراگیری، قابلیت پیش‌بینی، مبهم‌بودن و بخش‌پذیری بررسی کرده‌اند. آن‌ها همبستگی بین این متغیرها را نیز سنجیده‌اند. جیرارت^{۲۲} (2017) در بررسی شفافیت عبارات اصطلاحی، به این نتیجه رسید که وقتی اصطلاح شناخته شده باشد، دارای شفافیت معنایی است. بونین و همکاران (2017) به بررسی هنجارهای روان‌شناختی زبان برای عبارات اصطلاحی و ضرب‌المثل‌های زبان فرانسه پرداخته‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که هم در اصطلاحات هم در ضرب‌المثل‌ها بسامد ذهنی، آشنایی و

دانش هم‌بستگی بالایی دارند.

۳. چارچوب نظری

مدل‌های واژگانی و غیرواژگانی مختلفی به بررسی چگونگی پردازش عبارات اصطلاحی در طول فرایند درک پرداخته‌اند. طبق مدل‌های واژگانی (مانند مدل فرضیه فهرست اصطلاحی و مدل بازنمود واژگانی)، عبارات اصطلاحی واژگان بلندی هستند که یا همراه با دیگر واژگان ذهنی در ذهن ذخیره می‌شوند و یا فهرست جداگانه‌ای را تشکیل می‌دهند (Swinny & Cutler, 1973; Bobrow & Bell, 1997). در این مدل بازیابی معنی تحت‌اللفظی و مجازی به موازات هم انجام می‌گیرد و در آخر معنی مجازی سریع‌تر از معنی تحت‌اللفظی بازیابی می‌شود. بر اساس فرضیه پیکربندی واژگانی که از رویکردهای جدید نسبت به درک اصطلاحات است (Cacciari & Tabossi, 1988; Vespignani et al., 2006) اصطلاحات مانند دیگر بخش‌های زبان کلمه به کلمه رمزگشایی می‌شوند تا آنکه واژه کلیدی و هدف شناسایی شود. طبق مدل‌های غیرواژگانی پردازش اصطلاحات تحت تأثیر مجموعه‌ای از ویژگی‌های معناساختی و درون‌مقوله‌ای است. تحقیقاتی در رابطه با چگونگی فرایند درک اصطلاحات در بزرگسالان (Levorato et al., 2004; Sprenger et al., 2006; Tabossi et al., 2009; Hillert, 2004)، کودکان (al., 2004; Caillis & Declerq, 20011; Caillis & Butcher, 2007) و همچنین بیماران زبان‌پریش (Papagno et al., 2006; Papagno et al., 2004)، انجام شده و نشان داده است که این فرایند تحت تأثیر متغیرهای مختلفی است. مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: آشنایی، دانش، مبهم بودن، شفافیت معنایی، مجازی بودن، انگیختگی، ملموس بودگی، بار عاطفی و اعتماد داشتن. چارچوب این پژوهش بر اساس مدل‌های غیرواژگانی است. آشنایی به‌منزله بسامد ذهنی تعریف می‌شود؛ یعنی هر فرد چه‌قدر اصطلاحی را شنیده یا خوانده است (Libben & Titone, 2008, p. 1106). دانش به این مفهوم اشاره می‌کند که آیا هر فرد معنی درست عبارت اصطلاحی را می‌داند یا نه (Nordman et al., 2014) در برخی پژوهش‌ها (Citron et al., 2016) از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا معنی هر اصطلاح را بنویسند، در حالی که بقیه (Bonin et al., 2013; Bulkes & Tanner, 2016) از مقیاس لیکرت برای تعیین میزان دانستن معنی هر عبارت استفاده کردند.

مبهم بودن به این ویژگی اشاره می‌کند که عبارت اصطلاحی در ضمن داشتن معنی مجازی، معنی تحت‌اللفظی هم دارد (Nordman et al., 2008; Libben & Titone, 2008; Caillies, 2009). برای مثال، «لقمه گنده‌تر از دهان برداشتن» هم معنی تحت‌اللفظی و هم معنی مجازی دارد. شفافیت معنایی (تجزیه‌پذیری) به این ویژگی عبارتهای اصطلاحی اشاره می‌کند که معنای مجازی عبارت را می‌توان از معنی تحت‌اللفظی واژگان سازنده آن استنباط کرد (Bonin et al., 2013; Nordman & Jambazova, 2016; Citron et al., 2016; Bulkes & Tanner, 2016). برای مثال، معنی «زیر و رو کردن» را می‌توان از معنی تک تک واژگان آن فهمید. برعکس عبارت اصطلاحی «تخم لق شکستن» از لحاظ معنایی تیره است. مجازی بودن به این ویژگی عبارتهای اصطلاحی اشاره می‌کند که این عبارتها تا چه حد به‌منزله یک مفهوم غیر تحت‌اللفظی استنباط می‌شوند (Citron et al., 2016, p. 95). درواقع بعضی اصطلاحات کم‌تر از برخی دیگر مجازی هستند. برای مثال، در اصطلاح «چپ را از راست ندانستن» (به معنی ناآگاهی) فعل ندانستن به طور تحت‌اللفظی به این مفهوم اشاره می‌کند و ممکن است نسبت به اصطلاحی که معنی فعل آن به‌طور کامل تغییر می‌کند، کم‌تر مجازی درک شود (مانند اصطلاح «از دنده چپ بلند شدن» به معنی بد اخلاق بودن). درواقع، درجه میزان مجازی بودن هر اصطلاح (یعنی رابطه بین معنای تحت‌اللفظی و غیر تحت‌اللفظی هر اصطلاح) متفاوت است. انگیزگی انگیزه به‌کار رفتن برخی واژه‌ها در تعداد زیادی از اصطلاحات سازوکار شناختی است که حوزه دانش را به‌معنای اصطلاحی پیوند می‌دهد. انواع این سازوکارها استعاره، مجاز و دانش متعارف هستند. برای مثال در اصطلاح «سگ به دهان خود بستن: فحاشی کردن»، از واژه سگ استفاده شده است، زیرا سگ هنگام نگرانی با خشونت به سمت متجاوزان حمله می‌کند. همین ویژگی سگ سبب شده است در برخی اصطلاحات برای بیان خشونت و فحاشی از سگ استفاده می‌شود (راسخ مهند و شمس‌الدینی، ۱۳۹۱، صص. ۲۲-۲۵). انگیزگی به ویژگی آن دسته از عبارتهای اصطلاحی می‌پردازد که محرک (عنصری) برای فهم آنها وجود دارد، صرف نظر از اینکه بار عاطفی مثبت یا منفی داشته باشند (Citron et al., 2016: 96 as cited in Barrrt & Russel, 1998). ملموس‌بودگی به ویژگی اصطلاحاتی اشاره می‌کند که معنای آنها به حالت یا حادثه‌ای اشاره

می‌کند که می‌توان آن را با یک یا چند بُعد حسی تجربه کرد و انتزاعی نیست (Citron et al., 2007 as cited in Paivio, 2016: 95) و با قابل‌تصوربودن فرق دارد. بررسی دو متغیر ملموس‌بودگی و مجازی بودن برای اولین بار در پژوهش سیترون و همکاران (2016) انجام گرفته است. بار عاطفی به ویژگی داشتن معنی مثبت، منفی یا خنثای عبارتهای اصطلاحی می‌پردازد (Citron et al., 2016, p. 95 as cited in Russel, 1980). بررسی این ویژگی برای عبارتهای اصطلاحی نخستین بار در پژوهش سیترون و همکاران (2016)، انجام شده است. اعتماد داشتن به میزان اعتماد داشتن فرد به دانستن معنی درست اصطلاح می‌پردازد. این متغیر با متغیر دانش متفاوت است، زیرا ممکن است گویشوران نسبت به ندانستن معنی اصطلاحی به‌خصوص اصطلاحات کم‌آشنا خیلی اعتماد داشته باشند، ولی ضرورتاً پایایی بالایی به‌دست نیاید (Citron et al., 2016, p. 94).

گفتنی است که اصطلاح با ضرب‌المثل تفاوت دارد؛ ضرب‌المثل‌ها نتیجه خرد جمعی مردم هستند (Benjafeld et al., 1993, p. 27). فرق مهم ضرب‌المثل و عبارتهای اصطلاحی در این است که ضرب‌المثل‌ها در ضمن اینکه جمله‌های کاملی هستند، معمولاً چه تحت‌اللفظی، چه مجازی حقیقتی را بیان می‌کنند (Cacciari, 2014؛ Ferreti et al., 2007). با وجود این، به گفته نوردمن و همکاران (2013, p. 1562)، ضرب‌المثل و اصطلاح بخش‌هایی از یک طیف یکسان از عبارتهای ثابت و منجمد هستند. اصطلاح با استعاره نیز تفاوت دارد. صفوی (۱۳۷۹، ص. ۲۷۲) معتقد است که استعاره انتخاب یک نشانه زبان به جای نشانه‌ای دیگر بر حسب تشابه است. استعاره‌ها، حتی منجمدترین آن‌ها، معنی منحصر به فرد استاندارد شده‌ای ندارند و می‌توانند بسته به بافتی که در آن قرار می‌گیرند، معانی مختلفی را منتقل کنند. در حالی که اصطلاحات (با وجود اینکه برخی از آن‌ها ممکن است از استعاره گرفته شده باشند) دارای معنای منحصربه‌فردی هستند و تحت‌تأثیر بافت قرار نمی‌گیرند (Citron et al., 2016, p. 92). ووکسس^{۳۳} (2002, p. 201) معتقد است که اصطلاحات از نظام مفهومی ما نشئت می‌گیرند. بر این اساس خاستگاه و منشأ بسیاری از عبارتهای اصطلاحی در هنجارهای زیستی، آیات قرآنی، اعتقادات پیشینیان، تجربه‌های حسی و بدن‌مند، آداب و رسوم مذهبی و اجتماعی، باورهای عامه و اساطیری است.

۴. روش تحقیق

روش این تحقیق از لحاظ معرفی عبارت‌های اصطلاحی و ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای آن‌ها توصیفی از نوع تحلیل محتواست. علاوه بر این، برای اندازه‌گیری ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای اصطلاحات مورد بررسی از روش میدانی استفاده شده است که در ادامه توضیح داده می‌شود. داده‌های مورد مطالعه این پژوهش تمام عبارات اصطلاحی موجود در دو کتاب فرهنگ کنایات (تألیف منصور ثروت، ۱۳۷۹) و فرهنگ کنایات سخن (به سرپرستی حسن انوری، ۱۳۹۰) است. حجم نمونه عبارت‌های اصطلاحی دارای این ویژگی‌ها هستند: یک گروه فعلی با یک یا چند ظرفیت، مانند شال و کلاه کردن / پنبه را از گوش درآوردن. به شکل مصدری، مانند پوست و استخوان شدن (از آن جایی که انتظار ارزیابی ویژگی‌های عبارت‌های اصطلاحی می‌رفت، این عبارت‌ها به شکل استاندارد، مصدری، ارائه شد). جامعه مورد تحقیق در بخش میدانی این پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دبیرستان روشنگر در منطقه ۲ است. حجم نمونه شامل ۲۷۰ دانش‌آموز است که با استفاده از روش نمونه‌گیری مبتنی بر اعداد تصادفی انتخاب شد. جمع‌آوری اطلاعات از طریق ابزار پرسش‌نامه صورت پذیرفت. روش تکمیل پرسش‌نامه، به شیوه مستقیم، یعنی بدون دخالت پرسشگر انتخاب شد. پرسش‌نامه‌ها در اختیار افراد با شرایطی که ذکر شد، گذاشته شد و از آنان درخواست شد پس از خواندن راهنما به تکمیل آن‌ها بپردازند. برای تنظیم پرسش‌نامه‌ها ابتدا تصمیم گرفته شد مجموعه‌ای بالغ بر ۵۰ عبارت اصطلاحی متداول در زبان فارسی استخراج شود. پژوهشگران بر حسب دانش زبانی و دایرة‌المعارفی خود ۵۰ عبارت اصطلاحی رایج را انتخاب کردند. سپس این عبارت‌ها در قالب پرسش‌نامه‌های جداگانه با دستورالعمل‌های لازم تنظیم شد و در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. هشت پرسش‌نامه جدا برای ارزیابی ویژگی‌های درون-مقوله‌ای عبارت‌های اصطلاحی (شامل آشنایی، دانش، شفافیت معنایی، مجازی بودن، انگیختگی، ملموس‌بودگی، بار عاطفی و اعتماد داشتن) تنظیم شد. هر پرسش‌نامه شامل همه ۵۰ عبارت اصطلاحی بود و در هر کدام از مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت برای ارزیابی استفاده شد. در ضمن در هر پرسش‌نامه تعریف مناسبی از هر متغیر داده شده بود. پرسش‌نامه‌ای نیز برای اندازه‌گیری میزان دانستن معنی هر اصطلاح طراحی شد. به دلیل طولانی بودن زمان پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه دانش، این پرسش‌نامه به دو قسمت ۲۵ تایی تقسیم شد و هر پرسش‌نامه در

اختیار یک نفر قرار گرفت. پرسش‌نامه اندازه‌گیری آشنایی بر روی پیوستاری از ۱ (هرگز نشنیده و نخوانده‌ام) تا ۷ (اغلب شنیده و خوانده‌ام) تنظیم شد. پرسش‌نامه اندازه‌گیری شفافیت معنایی بر روی پیوستاری از ۱ (دارای شفافیت معنایی) تا ۷ (از لحاظ معنایی تیره) تنظیم شد. پرسش‌نامه مجازی بودن بر روی پیوستاری از ۱ (اصلاً مجازی نیست) تا ۷ (خیلی مجازی است) تنظیم شد. پرسش‌نامه ملموس‌بودگی بر روی پیوستاری از ۱ (کاملاً انتزاعی) تا ۷ (کاملاً واقعی) تنظیم شد. پرسش‌نامه بار عاطفی بر روی پیوستاری از ۳- (خیلی منفی) تا ۳+ (خیلی مثبت) تنظیم شد. پرسش‌نامه انگیختگی بر روی پیوستاری از ۱ (اصلاً انگیخته نیست) تا ۷ (خیلی انگیخته است) تنظیم شد. گفتنی است که برای تکمیل پرسش‌نامه‌های ذکرشده اگر دانش‌آموزان معنی اصطلاحات را نمی‌دانستند، توضیح داده می‌شد. پرسش‌نامه اعتماد داشتن پرسش‌شوندگان از دانستن معنی یک اصطلاح بر روی پیوستاری از ۱ (اصلاً معنی آن را نمی‌دانم) تا ۷ (معنی آن را به‌خوبی می‌دانم) تنظیم شد. پرسش‌نامه دانش با قرار دادن جای خالی مقابل هر اصطلاح برای نوشتن معنی آن تنظیم شد. در این پژوهش از مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای برای ارزیابی پرسش‌نامه‌ها استفاده شد و آمار توصیفی و همبستگی بین متغیرها با استفاده از نرم‌افزار اس. پی. اس. اس. استخراج شد.

جدول ۱: عبارات اصطلاحی انتخاب‌شده

Table 1: Selected idiomatic expressions

شماره	اصطلاحات
۱	از دندهٔ چپ بلند شدن
۲	آب از دست کسی نچکیدن
۳	آدم آب زیرکاهی بودن
۴	انگشت به دهان ماندن
۵	پنبه را از گوش درآوردن
۶	شاخ و شانه کشیدن
۷	بنای چیزی بر بیخ کردن
۸	بار خود را بستن
۹	خود را به آب و آتش زدن
۱۰	ریگی به کفش داشتن

شماره	اصطلاحات
۱۱	پای کسی در حنا بستن
۱۲	پشت دست داغ کردن
۱۳	سر نخ را پیدا کردن
۱۴	تخم لق شکستن
۱۵	تیر به تاریکی انداختن
۱۶	تا بناگوش سرخ شدن
۱۷	سر همه را شیره مالیدن
۱۸	دهان کسی بوی شیر دادن
۱۹	دست همه در یک کاسه بودن
۲۰	چپ را از راست ندانستن
۲۱	چشم و گوش بسته بودن
۲۲	چوب لای چرخ گذاشتن
۲۳	جانماز آب کشیدن
۲۴	شال و کلاه کردن
۲۵	پوست و استخوان شدن
۲۶	خر داغ کردن
۲۷	مچ کسی را گرفتن
۲۸	خون خونش را خوردن
۲۹	کسی را تر و خشک کردن
۳۰	پا تو کفش دیگران کردن
۳۱	دست به عصا راه رفتن
۳۲	نبض چیزی را به دست گرفتن
۳۳	کاسه و کوزه‌ها را سر کسی شکستن
۳۴	رگ خواب کسی به دست آمدن
۳۵	نان کسی را آجر کردن
۳۶	این دست، آن دست کردن
۳۷	زهر خود را ریختن
۳۸	لقمه بزرگ‌تر از دهان برداشتن
۳۹	دل به دریا زدن
۴۰	سر به گریبان بردن

شماره	اصطلاحات
۴۱	مغز خر خوردن
۴۲	زیر پای کسی نشستن
۴۳	شکم را صابون زدن
۴۴	ضرب شست نشان دادن
۴۵	قمر در عقرب بودن
۴۶	کارד به استخوان رسیدن
۴۷	کلاهش پشم نداشتن
۴۸	لنگ انداختن پیش کسی
۴۹	چند مرده حلاج بودن
۵۰	رشته‌ها را پنبه کردن

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها بر اساس بررسی ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای عبارت‌های اصطلاحی (شامل آشنایی، دانش، مبهم بودن، شفافیت معنایی، مجازی بودن، انگیختگی، ملموس‌بودگی، بار عاطفی و اعتماد داشتن) و رابطه و همبستگی بین این متغیرها ارائه شده است. در این مطالعه برای هر یک از ۵۰ عبارت اصطلاحی نمره کم‌ترین، بیشترین، میانگین و انحراف معیار هر یک از متغیرها به دست آمد. گفتنی است که گویشوران بومی فارسی‌زبان تمام ارزیابی‌ها را انجام دادند.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرها

Table 2: Descriptive statistics of variables

متغیرها	تعداد	کم‌ترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
آشنایی	۵۰	۱.۶۷	۶.۸۰	۵.۰۲	۱.۵۴
دانش	۵۰	۱.۲۰	۷.۰۰	۵.۳۹	۱.۴۷
مبهم بودن	۵۰	۲.۵۰	۶.۵۰	۵.۰۰	۱.۰۰
شفافیت معنایی	۵۰	۲.۲۰	۶.۴۷	۴.۸۶	۱.۰۹
مجازی بودن	۵۰	۲.۷۷	۵.۷۷	۴.۶۰	۰.۶۶
انگیختگی	۵۰	۲.۲۳	۶.۷۳	۵.۵۲	۱.۰۴

متغیرها	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
ملموس بودگی	۵۰	۱.۶۰	۶.۴۳	۴.۶۹	۰.۹۶
بار عاطفی	۵۰	-۲.۷۳	۱.۹۰	-۰.۸۰	۱.۰۹
اعتماد داشتن	۵۰	۲.۲۳	۶.۹۳	۵.۵۵	۱.۲۵

۱.۵. آشنایی، دانش و اعتماد داشتن

آشنایی: عبارات اصطلاحی بنای چیزی بر یخ کردن کمترین میزان آشنایی (میانگین ۱.۶۶ و انحراف معیار ۱.۲۶) و لقمه بزرگتر از دهان برداشتن بیشترین میزان آشنایی (میانگین ۶.۸۰ و انحراف معیار ۰.۴۸) را کسب کردند. آمار نشان می‌دهد که عبارت‌های اصطلاحی بر روی طیفی از آشنا تا ناآشنا ارزیابی شده‌اند. میانگین کل پیکره برای متغیر آشنایی ۵.۰۲ (انحراف معیار ۱.۵۴) نشان می‌دهد که اصطلاحات انتخاب‌شده، پربسامد بوده‌اند. دانش: از دنده چپ بلند شدن، دهان کسی بوی شیر دادن و سر همه شیره مالیدن عبارت‌های اصطلاحی‌ای هستند که بیشترین میزان دانش را دارند (میانگین ۷ و انحراف معیار ۰.۰۰). کمترین میزان دانستن معنی مربوط به اصطلاح تخم لق شکستن (میانگین ۱.۲۰ و انحراف معیار ۱.۰۹) است. میانگین کل پیکره برای متغیر دانش ۵.۳۹ (انحراف معیار ۱.۴۷) بیانگر این مطلب است که عبارت‌های اصطلاحی شناخته‌شده و آشنا انتخاب شده است. همچنین نتیجه نشان می‌دهد که دانش یکی از ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای است و پیکره می‌تواند محدوده‌ای از کمترین تا بیشترین میزان این ویژگی را ارائه دهد. اعتماد داشتن: پا تو کفش دیگران کردن اصطلاحی است که بیشترین میزان اعتماد داشتن را دارد (میانگین ۶.۹۳ و انحراف معیار ۰.۲۵). کمترین میزان اعتماد مربوط به اصطلاح تخم لق شکستن (میانگین ۲.۳۳ و انحراف معیار ۲.۰۱) است. میانگین کل پیکره برای متغیر اعتماد داشتن ۵.۵۵ (انحراف معیار ۱.۲۵) نتیجه متغیر دانش را یادآوری می‌کند که عبارات انتخاب‌شده مهجور و نادر نبوده‌اند.

۲.۵. شفافیت معنایی، انگیزتگی و بار عاطفی

شفافیت معنایی: کمترین میانگین این متغیر از ۲.۲۰ (انحراف معیار ۱.۷۳) (خر داغ کردن) تا بیشترین میانگین ۶.۴۶ (انحراف معیار ۰.۷۷) (مغز خر خوردن) در نوسان بود. راسخ مهند و

شمس‌الدینی (۱۳۹۱) هم اصطلاحات بخش‌پذیر و هم اصطلاحات انگیزته را به‌لحاظ معنایی شفاف می‌دانند؛ یعنی می‌توان معنی آن‌ها را به‌طور کلی حدس زد. نتیجه ذکرشده این ادعا را تأیید می‌کند. ولی یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که تعداد اصطلاحات شفاف بسیار بیشتر از اصطلاحات تیره است، در صورتی که میانگین کل به‌دست آمده در این پژوهش ۴۸۶ (انحراف معیار ۱۰۰۹) است. انگیزتگی: داده‌های پژوهش نشان داده است که عبارات اصطلاحی دارای محدوده‌ای از بیشترین انگیزتگی در عبارت شال و کلاه کردن (میانگین ۶۳۳ و انحراف معیار ۰۷۱) تا کم‌ترین انگیزتگی در عبارت تخم لق شکستن (میانگین ۲۳۳ و انحراف معیار ۱۰۹۳) هستند. میانگین کل این پیکره برای متغیر انگیزتگی ۵۰۲ (انحراف معیار ۱۰۴) نشان می‌دهد که بسیاری از عبارت‌های اصطلاحی انگیزته هستند. بار عاطفی: بیشترین نمره بار عاطفی منفی مربوط به عبارت اصطلاحی «آدم آب زیر کاهی بودن» (میانگین ۲۳۶- و انحراف معیار ۰۹۶) است و کم‌ترین نمره بار عاطفی منفی در عبارت تیر به تاریکی انداختن (میانگین ۰۰۶- و انحراف معیار ۱۳۶) به‌دست آمده است. بار عاطفی مثبت از محدوده میانگین ۱۴۰ (انحراف معیار ۱۴۰) در عبارت اصطلاحی «چند مرده حلاج بودن»، تا میانگین ۰۱۶ (انحراف معیار ۱۷۴) در عبارت «خود را به آب و آتش زدن» متغیر است. میانگین صفر که نشان‌دهنده بار عاطفی خنثی است، برای هیچ عبارتی به‌دست نیامد. میانگین کل پیکره برای این متغیر ۰۸۰- (انحراف معیار ۱۹۰) است که نشان می‌دهد بیشتر اصطلاحات دارای بار منفی هستند.

۳-۵. مبهم‌بودن، مجازی بودن و ملموس‌بودگی

مبهم بودن: بنابر داده‌های پژوهش انگشت به دهان ماندن (میانگین ۶۵۰ و انحراف معیار ۱۰۵۴) مبهم‌ترین و تخم لق شکستن (میانگین ۲۵۰ و انحراف معیار ۱۰۹۷) نامبهم‌ترین عبارت‌های اصطلاحی هستند. پژوهشی در فارسی در دسترس نیست تا نتیجه این پژوهش با آن مقایسه شود. میانگین کل پیکره برای این متغیر ۵۰۰ (انحراف معیار ۱۰۰) است که مبهم ارزیابی شدن تعداد بیشتری از اصطلاحات را نشان می‌دهد. مجازی بودن: عبارت اصطلاحی آدم آب زیر کاهی بودن بیشترین درجه مجازی بودن (میانگین ۵۷۶ و انحراف معیار ۱۳۳) و چپ را از راست ندانستن کم‌ترین درجه مجازی بودن (میانگین ۲۷۶ و انحراف معیار ۲۰۱) را کسب کردند. میانگین کل این متغیر ۴۶۰ (انحراف معیار ۰۶۶) است که نشان می‌دهد اصطلاحات

به‌طور تقریبی مجازی ارزیابی شده‌اند. ملموس‌بودگی: عبارت اصطلاحی شال و کلاه کردن (میانگین ۶.۴۳ و انحراف معیار ۰.۸۹) بیشترین میزان درجه ملموس‌بودگی را دارد و عبارت اصطلاحی خر داغ کردن (میانگین ۱.۶۰ و انحراف معیار ۱.۲۵) کم‌ترین میزان درجه ملموس‌بودگی را به خود اختصاص داده است. میانگین این متغیر ۴.۶۹ (انحراف معیار ۰.۹۶) است که می‌توان گفت اصطلاحات به‌طور ملایمی ملموس ارزیابی شده‌اند.

۴-۵. تحلیل پایایی

پایایی پژوهش بر اساس آلفای کرونباخ انجام پذیرفت. طبق جدول ۳، پژوهش پایایی بالایی برای هر متغیر دارد.

جدول ۳: پایایی متغیرها

Table 3: Reliability of variables

متغیرها	آلفای کرونباخ
آشنایی	۰.۹۳
دانش	۰.۸۳
مبهم بودن	۰.۹۱
شفافیت معنایی	۰.۹۲
مجازی بودن	۰.۹۱
انگیزگی	۰.۸۹
ملموس‌بودگی	۰.۹۱
بار عاطفی	۰.۸۳
اعتماد داشتن	۰.۹۳

۵. همبستگی بین متغیرها

همبستگی بین متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد. جدول ۴ همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۴: همبستگی بین متغیرها

Table 4: Correlation between variables

متغیرها	آشنایی	شفافیت معنایی	مجازی بودن	انگیزگی	لموس بودگی	بار عاطفی	میهم بودن	اعتماد داشتن	دانش
آشنایی	۱								
شفافیت معنایی		۱							
مجازی بودن			۱						
انگیزگی				۱					
لموس بودگی					۱				
بار عاطفی						۱			
میهم بودن							۱		
اعتماد داشتن								۱	
دانش									۱

طبق داده‌های جدول بین آشنایی و شفافیت معنایی همبستگی منفی با سطح معناداری ۰۰۰۵ وجود دارد که نشان می‌دهد افزایش هر کدام از این دو متغیر (آشنایی و شفافیت معنایی) در رابطه با کاهش متغیر دیگر است. بین متغیر لموس بودگی و شفافیت معنایی همبستگی مثبت با سطح معناداری ۰۰۰۱ دیده می‌شود که بیانگر جهت تغییرات یکسان در دو متغیر است. در واقع، افزایش یا کاهش متغیر لموس بودگی در رابطه با افزایش یا کاهش متغیر شفافیت معنایی است. همچنین بین دانش با شفافیت معنایی و اعتماد داشتن همبستگی منفی با سطح معناداری ۰۰۰۱ وجود دارد.

۶. نتیجه

هدف از تدوین مقاله حاضر ارائه توصیفی از ویژگی‌های درون مقوله‌ای عبارتهای اصطلاحی زبان فارسی و تعیین رابطه و همبستگی بین آنهاست. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که عبارتهای اصطلاحی مورد مطالعه دارای ویژگی‌های درون مقوله‌ای آشنایی، دانش، مبهم بودن، شفافیت معنایی، مجازی بودن، انگیزتگی، ملموس بودگی، بار عاطفی و اعتماد داشتن هستند (بررسی این ویژگی‌ها در عبارات اصطلاحی برای اولین بار در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت). تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که عبارات اصطلاحی زبان فارسی نیز مقولات همگن و یکپارچه‌ای نیستند و دارای وجوه مختلف‌اند. همچنین می‌توان آن‌ها را بر روی پیوستاری که یک قطب آن یکی از ویژگی‌های درون مقوله‌ای و قطب دیگر تقابل همان ویژگی درون مقوله‌ای است، طبقه‌بندی کرد. تقابل‌های دوگانه به دست آمده از این پژوهش عبارت‌اند از: آشنا/ نا آشنا، دانستن معنی/ ندانستن معنی، مبهم/ نامبهم، شفاف/ تیره، مجازی/ غیرمجازی، انگیزته/ غیرانگیزته، ملموس/ ناملموس، بار عاطفی مثبت/ بار عاطفی منفی و اعتماد داشتن/ اعتماد نداشتن. نتایج حاصل از پژوهش حاضر از لحاظ اعمال متغیرهای ذکر شده بر عبارتهای اصطلاحی در نظر گرفته شده همسو با مطالعاتی است که بر عبارتهای اصطلاحی در زبان‌های انگلیسی - امریکایی (Abel, 2003; Bulkes & Tanner, 2016; Cronk et al., 1993; Libben & Titone, 2008; Nordman et al., 2014; Nordman & Tabossi et al., 2011)، چینی (Li et al., 2016)، بلغاری (Nordman & Jambazova, 2016) و فرانسوی (Bonin et al., 2013; 2017) انجام گرفته است. بررسی میانگین‌های مربوط به متغیر آشنایی و دانش (نک: جدول ۲) در این پژوهش نشان می‌دهد که عبارتهای اصطلاحی انتخاب شده، پربسامد و آشنا بوده‌اند و این در نمره پایایی متغیرهای دیگر (جدول ۲) تأثیرگذار بوده است. دامنه گسترده متغیر دانش همچنین بیانگر این مطلب است که دانش شرکت‌کنندگان نسبت به عبارتهای اصطلاحی، بسیار متفاوت است. طبق آمار عبارتهای اصطلاحی بیشتر مبهم و انگیزته ارزیابی شده‌اند. این نتیجه مؤید این مطلب است که تولید عبارتهای اصطلاحی زبان فارسی صرفاً زبانی نیست و نظام مفهومی و سازوکارهای شناختی و شباهت هستی‌شناختی میان دو حوزه مبدأ و مقصد در تولید آن‌ها دخیل‌اند. منفی بودن میانگین بار عاطفی عبارتهای اصطلاحی بیانگر بالا بودن نسبی موردها با بار

عاطفی منفی نسبت به بار عاطفی مثبت است. این نتیجه نشان می‌دهد تولید عبارت‌های اصطلاحی با بار عاطفی منفی بیشتر است، زیرا مردم ترجیح می‌دهند به جای استفاده تحت‌اللفظی از واژه‌ای با بار منفی از زبان مجازی برای انتقال مفهوم منفی استفاده کنند. این نتیجه، پژوهش عرفانیان قونسولی و همکاران (۱۳۹۱، ص. ۲۹) را تأیید می‌کند که گویشوران با اهداف ناراحت نشدن طرف مقابل و احترام به او، مؤدب بودن و نشان دادن سطح شعور از زبان مجازی استفاده می‌کنند. طبق مدل‌های غیرواژگانی، متغیرهای متفاوتی در فرایند پردازش و درک عبارات اصطلاحی دخالت دارد، از جمله ملموس‌بودگی و مجازی بودن. شرکت‌کنندگان نیز پیوستاری از عبارت‌های اصطلاحی با این ویژگی‌ها را ارزیابی کردند. آمار شیب ملایمی از میزان ویژگی مجازی بودن عبارت‌های اصطلاحی مورد مطالعه را نشان داده است. می‌توان چنین گفت که تقریباً بین معنی تحت‌اللفظی و غیر تحت‌اللفظی عبارات رابطه کم‌تری وجود دارد. همچنین، شیب ملایم ویژگی ملموس‌بودگی عبارت‌های اصطلاحی در این پیکره بیانگر این موضوع است که مفهوم این عبارات تا حدودی به موارد و حوادث غیرانتزاعی اشاره می‌کند. پائویو (2007) معتقد است که گاهی متغیر ملموس‌بودگی با قابل تصور بودن اشتباه گرفته می‌شود. درواقع، برخی مفاهیم انتزاعی قابل تصور هستند. درباره میانگین ۴.۶۹ برای متغیر ملموس‌بودگی، می‌توان گفت که این متغیر تا حدودی بر اساس قابل تصور بودن سنجیده شده است. مقایسه نتیجه میزان اعتماد داشتن و دانش نشان می‌دهد که این دو متغیر متفاوت‌اند و لزوماً کسی که فکر می‌کند معنی درست اصطلاحی را می‌داند، این طور نیست که معنی مورد نظرش صحیح باشد. همچنین، متغیر دانش باید از طریق تعریف کردن ارزیابی شود.

در بررسی تعیین رابطه و همبستگی بین ویژگی‌های درون‌مقوله‌ای عبارات اصطلاحی در نظرگرفته‌شده، نتایج نشان داد که بین آشنایی و شفافیت معنایی همبستگی منفی با سطح معناداری ۰.۰۵ وجود دارد (Tabossi et al., 2011; Citron et al., 2016). می‌توان گفت که این نتیجه بازتاب‌کننده این واقعیت است که معنی اصطلاحات آشنا در حافظه معنایی ذخیره می‌شود و بدون توجه به رابطه واژگان تشکیل‌دهنده و تفسیر مجازی هر عبارت اصطلاحی، بازیابی می‌شود (Bonin et al., 2013; libben & Titon, 2008; Tiyon & Connine, 1994). همبستگی مثبت بین متغیر شفافیت معنایی و ملموس‌بودگی نشان می‌دهد (Citron et al., 2016) که هر چه عبارتی شفاف‌تر باشد، ملموس‌تر نیز است. درواقع، هر چه بیشتر بتوان

معنی یک عبارت اصطلاحی را از معنی واژگان سازنده‌اش به دست آورد، آن عبارت کم‌تر به موارد و حوادث انتزاعی دلالت می‌کند. همچنین، بین دانش با شفافیت معنایی و اعتماد داشتن همبستگی منفی با سطح معناداری ۰.۰۱ وجود دارد. همبستگی منفی بین شفافیت معنایی و دانش نشان می‌دهد که شفافیت بیشتر یک عبارت اصطلاحی رابطه مستقیم با دانستن معنی آن عبارت ندارد. این نتیجه با پژوهش بونین و همکاران (2013)، بولکز و تتر (2016)، تابوسی و همکاران (2010) همسو نیست. می‌توان گفت که این تفاوت انعکاس‌دهنده اختلاف تربیت شناختی بین شرکت‌کنندگان آن‌ها و این پژوهش است. همبستگی معنادار بین متغیر دانش و اعتماد داشتن نشان می‌دهد که سنجش شرکت‌کنندگان درباره دانستن معنی عبارت‌های اصطلاحی کنترل شده بوده است.

پژوهش حاضر (در حجم نمونه بزرگ‌تر) به لحاظ کاربردی می‌تواند در انتخاب عبارات اصطلاحی زبان فارسی برای تعیین چگونگی پردازش این عبارات در افراد بزرگسال، کودک، زبان پریش، آلازیمیری و همچنین مطالعات مربوط به سرعت خواندن، مفید باشد. از طریق این پژوهش می‌توان برای انتخاب عبارات‌های اصطلاحی به منظور تدوین متون آموزشی به خصوص محتوای آموزشی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بهره گرفت. با بررسی این یافته‌ها می‌توان بر اساس چارچوب نظری زبان‌شناسی شناختی، میزان شناختی تربیت شدن افراد جامعه را نیز محک زد.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Idiomatic Expression
2. familiarity
3. Knowledge
4. Ambiguity
5. Semantic transparency
6. Figurativeness
7. Arousal
8. Concreteness
9. Emotional valence
10. Length of idiom
11. Confidence
12. Titon & Connin
13. Caillies & Butcher

14. Tabossi
15. Libben
16. Westbury
17. Bonin
18. Citron
19. Nordman & Jambazova
20. Bulkes & Tanner
21. Li
22. Geeraert
23. Kovecses

۸. منابع

- آزاد، ا. و منشی‌زاده، م. (۱۳۹۴). رویکردهای غالب روان‌شناختی زبان پیرامون فرایند درک اصطلاح. *جستارهای زبانی*، ۱(۲۲)، ۱-۲۰.
- انوری، ح. (۱۳۹۰). فرهنگ کنایات سخن. تهران: سخن.
- ثروت، م. (۱۳۷۹). فرهنگ کنایات. تهران: سخن.
- راسخ مهند، م. و شمس‌الدینی، م. (۱۳۹۱). طبقه‌بندی معنایی اصطلاحات فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی. *ادب‌پژوهی*، ۲۰، ۱۱-۳۲.
- شجری، م. (۱۳۷۷). *گزینش افعال اصطلاحی رایج در زبان فارسی معیار با توجه به سطح متوسط زبان‌آموزی*. رساله کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- صفوی، ک. (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- طبیب‌زاده، ا. (۱۳۷۳). طبقه‌بندی و ضبط افعال اصطلاحی فارسی. *نشر دانش*. ۴۰، ۲۰-۳۵.
- عرفانیان قونسولی، ل.، شریفی، ش.، و مشکوٰه‌الدینی، م. (۱۳۹۳). اهداف استفاده از نمونه‌های مختلف زبان تمثیلی با رویکرد زبان‌شناسی شناختی. *تازه‌های علوم شناختی*، ۱(۶۱)، ۲۹-۳۸.
- گندمکار، ر. (۱۳۹۱). نگاهی تازه به چگونگی درک استعاره در زبان فارسی. *ادب‌پژوهی*، ۱۹، ۱۶۷-۱۵۱.
- میردهقان، م.، نجاتی، و.، و داوودی، ا. (۱۳۹۱). درک ضرب‌المثل‌های زبان فارسی در نوجوانان یک‌زبانه و دوزبانه: تحلیل مقایسه‌ای عملکرد بر پایه مدل اقتناع محدودیت. *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، ۳(۱۱)، ۱۹۳-۲۱۶.

- منصوری، م. (۱۳۹۴). اصطلاحی شدن در زبان فارسی در قالب کمینه‌گرا. جستارهای زبانی، ۳ (۲۴)، ۲۷۱-۲۹۲.
- نیاورانی، ح. (۱۳۸۲). بررسی ساختار کنایه در زبان فارسی و چگونگی آموزش آن به غیر فارسی‌زبانان. رساله کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

References

- Abel, B. (2003). English idioms in the first language and second language lexicon: A dual representation Approach. *Second Language Research*, 19(4), 329-358.
- Anvari, H. (2011). *Dictionary of idioms speech*. Sokhan Publications.[In Persian].
- Azad, O. & Monshizadeh, M. (2015). The dominant psycholinguistic approaches on the process of idiom comprehension." *Language Related Research*. 6(1). Pp.1-20 .[In Persian].
- Benjafield, J., Frommhold, K., Keenan, T., Muckenheim, R., & Mueller, D. (1993). Imagery, concreteness, goodness, and familiarity ratings for 500 proverbs sampled from theOxford Dictionary of English Proverbs. *Behavior Research Methods, Instruments, & Computers*, 25(1), 27-40.
- Bobrow, S. A., & Bell, S. M. (1973). On catching on to idiomatic expressions. *Memory & Cognition*, 1(3), 343-346.
- Bonin, P., Méot, A., & Bugaiska, A. (2013). Norms and comprehension times for 305 French idiomatic Expressions. *Behavior Research Methods*, 45(4), 1259-1271.
- Bonin, P., Méot, A., Boucheix, J. M., & Bugaiska, A. (2017). Psycholinguistic norms for 320 fixed expressions (idioms and proverbs) in French. *The Quarterly Journal of Experimental Psychology*, (just-accepted), 1-37.
- Bulkes, N. Z., & Tanner, D. (2016). "Going to town": Large-scale norming and statistical analysis of 870 American English idioms. *Behavior research methods*, 1-12.
- Cacciari, C. (2014). Processing multiword idiomatic strings: Many words in one?.

The Mental Lexicon, 9(2), 267-293.

- Cacciari, C., & Tabossi, P. (1988). The comprehension of idioms. *Journal of Memory and Language*, 27(6), 668-683.
- Caillies, S., & Butcher, K. (2007). Processing of idiomatic expressions: Evidence for a new hybrid view. *Metaphor and Symbol*, 22(1), 79-108.
- Caillies, S., & Declercq, C. (2011). Kill the song—steal the show: what does distinguish predicative metaphors from decomposable idioms?. *Journal of Psycholinguistic Research*, 40(3), 205-223.
- Citron, F. M., Cacciari, C., Kucharski, M., Beck, L., Conrad, M., & Jacobs, A. M. (2016). When emotions are expressed figuratively: Psycholinguistic and Affective Norms of 619 Idioms for German (PANIG). *Behavior Research Methods*, 48(1), 91-111.
- Cronk, B. C., Lima, S. D., & Schweigert, W. A. (1993). Idioms in sentences: Effects of frequency, literalness, and familiarity. *Journal of Psycholinguistic Research*, 22(1), 59-82.
- Erfaniyan Qonsoli, L., Sharifi, Sh., & Meshkatoddini, M. (2014). The goals of using different figurative language types via cognitive approach. *Advances in Cognitive Science*, 16(1). Pp. 29-38. [In Persian].
- Ferretti, T. R., Schwint, C. A., & Katz, A. N. (2007). Electrophysiological and behavioral measures of the influence of literal and figurative contextual constraints on proverb comprehension. *Brain and Language*, 101(1), 38-49.
- Gandomkar, R. (2012). A perceptual approach to understanding metaphor in Persian "A Quarterly Journal of Persian Language and Literature, 19. Pp. 151-167. [In Persian].
- Geeraert, K. (2017). As clear as day: The Transparency of English Idiomatic Expressions. *International Cognitive Linguistics Conference*.
- Hillert, D. G. (2004). Spered access to idiomatic and literal meanings: A single-case approach. *Brain and Language*, 89(1), 207-215.

- Kovecses, Z. (2002). *Metaphor, metonymy, and idioms: A practical introduction*. Oxford University Press.
- Levorato, M. C., Nesi, B., & Cacciari, C. (2004). Reading comprehension and understanding idiomatic expressions: A developmental study. *Brain and Language*, 91(3), 303-314.
- Li, D., Zhang, Y., & Wang, X. (2016). Descriptive norms for 350 Chinese idioms with seven syntactic structures. *Behavior research methods*, 48(4), 1678-1693.
- Libben, M. R. & Titone, D. A. (2008). The multidetermined nature of idiom processing. *Memory & Cognition*, 36(6), 1103-1121.
- Nordmann, E., Cleland, A. A., & Bull, R. (2014). Familiarity breeds dissent: Reliability analyses for British-English idioms on measures of familiarity, meaning, literality, and decomposability. *Acta psychologica*, 149, 87-95.
- Mansouri, M (2015). Idiomatic expressions in the framework of minimalist approach. *Language Related Research*, 6(3). Pp. 212-292.[In Persian].
- Mirdehghan M., Nejati, V., & Davoodi E.A. (2012). Comprehensive study of Persian proverbs among monolingual and bilingual adolescents comparatively on the basis of constraint satisfaction model. *Comparative Literature Research*. 3(3), Pp. 193-216.[In Persian].
- Niavarani, H. (2003). *Review the structure of the Idioms in Persian language and how to teach it to non-Persian speakers*. M.A. Thesis. Tehran: Allameh Tabataba'i University.[In Persian].
- Nordmann, E., Cleland, A. A., & Bull, R. (2013). Cat got your tongue? Using the tip-of-the-tongue state to investigate fixed expressions. *Cognitive Science*, 37(8), 1553-1564.
- Nordmann, E. & Jambazova, A. A. (2016). Normative data for idiomatic expressions. *Behavior Research Methods*, 1-18.
- Pavio, A. (2007). *Mind and its evolution: A dual coding theoretical approach*. Mahwah: Erlbaum.

- Papagno, C., Curti, R., Rizzo, S., Crippa, F., & Colombo, M. R. (2006). Is the right hemisphere involved in idiom comprehension? A neuropsychological study. *Neuropsychology*, 20(5), 598-606.
- Papagno, C., Tabossi, P., Colombo, M. R., & Zampetti, P. (2004). Idiom comprehension in aphasic patients. *Brain and Language*, 89(1), 226-234.
- Rasekh Mahand, M. & Shamseddini, M. (2012). Semantic classification of Persian idioms; A cognitive approach. *A Quarterly Journal of Persian Language and Literature*. 20. Pp. 11-32.[In Persian].
- Safavi, K (2000). *An introduction to semantics*. Islamic Art and Culture Institute.[In Persian].
- Servat, M (2000). *Dictionary of Idioms*. Sokhan Publications[In Persian].
- Shajari, M (1998). *Selection of Idiomatic verbs in Persian language according to the average level of language learning*. M.A. Thesis. Tehran: Tarbiat Modares University.[In Persian].
- Sprenger, S. A., Levelt, W. J., & Kempen, G. (2006). Lexical access during the production of idiomatic phrases". *Journal of Memory and Language*, 54(2), 161-184.
- Swinney, D. A., & Cutler, A. (1979). The access and processing of idiomatic expressions. *Journal of verbal learning and verbal behavior*, 18(5), 523-534.
- Tabibzadeh, O (2002). "Classifying and recording Persian idioms". *Publishing Knowledge*. vol. 14, no. 4 & 5 (May and July). Pp. 20-23, 31 & 35.[In Persian].
- Tabossi, P., Arduino, L., & Fanari, R. (2011). Descriptive norms for 245 Italian idiomatic expressions". *Behavior Research Methods*, 43(1), 110-123.
- Tabossi, P., Fanari, R., & Wolf, K. (2008). Processing idiomatic expressions: Effects of semantic compositionality. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition*, 34(2), 313-327.
- Tabossi, P., Wolf, K., & Koterle, S. (2009). Idiom syntax: Idiosyncratic or principled?". *Journal of Memory and Language*, 61(1), 77-96.
- Titone, D. A., & Connine, C. M. (1994). Descriptive norms for 171 idiomatic

expressions: Familiarity, compositionality, predictability, and literality. *Metaphor and Symbol*, 9(4), 247-270.

- Vespignani, F., Canal, P., Molinaro, N., Fonda, S., & Cacciari, C. (2010). Predictive mechanisms in idiom comprehension. *Journal of Cognitive Neuroscience*, 22(8), 1682-1700.
- Westbury, C., & Titone, D. (2011). Idiom literality judgments in younger and older adults: Age-related effects in resolving semantic interference. *Psychology and Aging*, 26(2), 467-474.